

چگونه زن ۷۰ ساله، اموال همسرش را گرفت ؟

طرح دادخواست طلاق در محاکم خانواده از جمله دعاوی پر تکراری است که به طور معمول در سه حالت قابل بررسی است: طلاق توافقی، طلاق به درخواست زوجه (مستند به عسر و حرج زوجه) و طلاق به درخواست زوج.

چین و چروک های صورتش گواهی می داد که پیچ و خم های سخت روزگار را به این امید پشت سر گذاشته که باقی عمرش به استراحت و عافیت طی شود نه اینکه بی سرپناه شده، در راهروهای محکمه پی اجابت خواسته های همسر هفتاد ساله اش به پرداخت مهریه، اجرت المثل و نفقه روزگار بگذراند.

پرینت های بانکی روی میز مهر تاییدی بود بر این ادعا که هرچه از سال ها معلمی درآورده خرج زن و بچه کرده و از دار دنیا جز جامه ی تن چیزی به نام خویش ندارد. هرچه داشته و نداشته به نام زن و فرزند کرده، به این امید که آخر پیری و پس از مرگش وراثت به جان هم نیفتاده و به قول خودش تن و بدن پیرمرد از نفیر و نفرین وراثت در گور نلرزد، اما چرخ روزگار خیلی زود نشانش داده که دستش نمک ندارد و در آغاز هشتاد سالگی در به در آونکی است تا در این ظلمت نامرادی، شامگاهان با دردها و رنج های روزگار سر به بالین تنهایی نهد .

حاج یحیی معلم بازنشسته ای که چندین ماه پیش حسب مرور خاطرات وکیل نام و رسم بنده را یافته و با مراجعه به کانون وکلا، آدرس دارالوکاله ام را شناسایی کرده، پیش از من به دفتر رسیده بود و از منشی اجازه خواسته تا اوراق و مدارکش را با ترتیب و نظمی که از خصایص معلم های ریاضی است نمودار وار روی میز بچیند تا برای توصیف رفتار همسر و آخرین فرزندش مدرک و سند رو کند، مبادا تصور کنم خدای ناکرده دروغ می گوید و بیخودی شلوغش میکند و یا به قول خودش ننه من غریبم بازی در می آورد.

دادخواست مطالبه ی مهریه مستند به قبوض بانکی به اجرا رسیده همراه با اجرت المثل بانو برای چهل و چند سال زندگی نقدا پرداخت و [نفقه](#) ی ماهیانه مستند به قبوض بانکی در پنجم هر ماه به کارت همسر و فرزند واریز شده . مالکیت تنها سرپنااهش را هم سه دانگ به

نام همسر ، سه دانگ به نام آخرین فرزند کرده بود و حالا این دو کاری کرده بودند تا حاج یحیی آخر پیری آواره ی خانه ی استیجاری شود!! مدارک و مستندات را که مرور کردم رو به حاج یحیی گفتم با این اوصاف چه کاری از من ساخته است؟ پیرمرد جرعه ای آب نوشید تا به بهانه ی تَر کردن گلو ، بغضش را فرو داده بتواند کلامی درددل کند و گفت: با ابلاغ این دادخواست ها به خانم زنگ زدم گفتم با اینکارها ، فردا چطور می تونی کنار من زندگی کنی؟ که در جوابم گفت: قرار نیست چنین روزی برسد با نتیجه دادن این پرونده ها درخواست طلاق هم می دهم تا این آخر عمری از دستت راحت شوم ! به موازات گفتن این جمله ی آخر نه جرعه ی آب و نه غرور مردانه اش تاب و توان مقابله با بعض حیمی که در گلو پنهانش کرده بود نداشتند و بالاخره قطرات اشک روی گونه های چروکیده اش نشستند.

در این دو دهه وکالت همواره دیدن چنین صحنه ای برایم عذاب آور و غیر قابل تحمل بوده و هست ، لذا به بهانه ای از پشت میز بلند شدم تا خلوتی برای پیرمرد مهیا شود، بلکه از غرور مردانه اش فارغ شده خودش را خالی کند. به منشی سپردم چند دقیقه بعد به بهانه ی پذیرایی و دادن چای و شیرینی ، اوضاع و احوال پیرمرد را ببیند که اگر مهیای ادامه ی جلسه است برگردم پشت میز و گفتگو را ادامه دهم. نزدیک به یک ربع زمان لازم بود تا شرایط روحی حاج یحیی مساعد شود.

خلاصه ی پرونده :

بنا به مستندات و مدارکی که حاج یحیی ارائه کرد، قرار بوده به موازات اجرای حکم مهریه و پرداخت اجرت المثل ، درخواست طلاق توافقی توسط ایشان به دادگاه تقدیم شود، حتی تشریفات مشاوره* در اداره بهزیستی و.. نیز به انجام رسیده، پرونده مهیای صدور حکم بوده که زوجه در جلسه ی طلاق توافقی حاضر نشده، طی لایحه ای مخالفت خودش را با دادخواست طلاق توافقی اعلام کرده بود* نکته ی تامل برانگیز این مخالفت دلیل زوجه بود که علیرغم دریافت تمام و کمال مهریه، سه دانگ از محل زندگی حاج یحیی و ... اعلام کرده بود: بابت گرفتن نفقه و حقوق مستمری پیرمرد (پس از مرگ حاج یحیی) حاضر به طلاق نیست!! حاج یحیی دلیل طرح دادخواست طلاق یکطرفه * را همین عبارت پس از مرگ اعلام کرد و گفت: حالا که او اینقدر وقیح شده من هم می خواهم مثل خودش برخورد کنم، هرچند که زورم به این مادر و فرزند نمی رسد.

خواسته ی اصلی حاج یحیی طرح دادخواست طلاق به درخواست زوج بود که

با توجه به پرداخت کلیه حقوق مالی زوجه تنها چالش و موضوع قابل اهمیت در طرح چنین خواسته ای شرطِ نصف شدن دارایی زوج در فرضی است که مرد بدون دلیل بخواهد زوجه را طلاق دهد.*

* نکات حقوقی:

۱- در برخی اسناد ازدواج شرطی درج شده که چنانچه زوج بخواهد بدون دلیل زوجه را طلاق دهد، نیمی از دارایی زوج متعلق به زوجه است. در تحلیل این شرط دو نکته قابل اهمیت است

الف) عبارت بدون دلیل: در مقابل این موضوع مهم ترین دلیلی که زایل کننده ی این شرط است، محکومیت زوجه به تمکین که موید ناشزه بودن زوجه است (ب) منظور از دارایی زوج در این شرط، دارایی است که زوج پس از ازدواج با زوجه به دست آورده لذا چنانچه دارایی زوج پیش از ازدواج با زوجه A ریال ارزش داشته و امروز هم همان میزان دارایی را داراست، شامل این شرط نمی شود اما چنانچه دارایی زوج در زمان طلاق $A+X$ تومان شده نسبت به آن X تومان شرط نصف شدن اجرا می شود. لذا چنانچه زوجه ناشزه بوده و یا به دارایی زوج چیزی در طول مدت زندگی افزوده نشده است این شرط اعمال نخواهد داشت.

نکته ی قابل توجه زمانی است که علیرغم افزایش دارایی پس از ازدواج، زوج بخشی از دارایی اش را به بچه ها و بخشی را به خانمش واگذار کرده باشد در چنین فرضی نیز عملاً امکان جاری شدن این شرط وجود ندارد = مانند حاج یحیی

۲- اولین قدم برای ثبت دادخواست طلاق (طلاق توافقی یا به درخواست یکی از زوجین): ثبت نام در سامانه ی طلاق است که تحت نظر سازمان بهزیستی است، سپس گذراندن کلاس های مشاوره و پس از صدور گواهی از سوی مشاور، پرونده در دادگاه خانواده از طریق دفتر خدمات قضایی ثبت می شود. الف) اگر زوجین نسبت به موضوعات توافق داشته باشند که عین توافقات ایشان در گواهی عدم امکان سازش درج می شود (ب) اگر طلاق به خواست زوج مطرح شود می بایست در حکم طلاق تکلیف مهریه، اجرت المثل (هزینه ی کارهایی که زن در خانه انجام داده از شیر دادن به بچه تا شستشوی ظرف و...)، نفقه ی فعلی و ایام عده ی زوجه و نصف شدن دارایی زوج به شرط وجود شرایط مشخص شود (ج) طرح دادخواست طلاق از سوی زوجه مستلزم احراز عسر و حرج زن است (در رویه برخی محاکم وجود حکم الزام زوج به پرداخت مهریه، نفقه، اجرت المثل مقدمه ی چنین دادخواستی است)

۳- هر یک از زوجین پس از تقدیم دادخواست طلاق توافقی، حتی پس از صدور گواهی عدم امکان سازش، حق دارد بنا با هر دلیلی از توافق صورت گرفته عدول کند.

۴- تنظیم و طراحی صورتجلسات لازم برای طرح خواسته ی طلاق خاصه طلاق توافقی مستلزم اشراف به شرایط و ضوابط قانونی است که در این مسیر مشورت با وکلای کانون وکلا ضروری است.

تذکر: آنچه در قالب خاطرات وکیل نقل می شود، خلاصه ای از اتفاقات پرونده است، نه قضاوت نگارنده نسبت به رفتار اصحاب پرونده.

*محمد هادی جعفرپور- وکیل دادگستری